

زبان فارسی و کوشش‌های ایرانی

سال سوم، دوره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۶

زمان دستوری جهان‌های ممکن ساخت شرطی در زبان فارسی معاصر

سیده عاطفه بقایی^۱

دکتر مهرداد نغزگوی کهن^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۲۸

چکیده

در این پژوهش زمان دستوری افعال بندهای شرط و جزای شرط در جملات شرطی زبان فارسی معاصر، براساس رده‌شناسی دکلرک و ریید (۲۰۰۱) بررسی شد. پیکره، ۲۸۶ جمله شرطی از ۱۰ کتاب داستانی معاصر بوده‌است. با بررسی جملات شرطی به این نتیجه رسیدیم که ساخت شرطی زبان فارسی معاصر، متشکل از انواع حقیقی، خنثی، بسته، باز، غیرقطعی و ضدحقیقی است. از این تعداد جمله شرطی، شرطی از نوع باز و ضدحقیقی به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین بسامد را در داده‌های پیکره داشتند. با بررسی زمان‌های دستوری افعال بندهای شرط و جزای شرط به گرایش‌های قوی در این زمینه دست یافتیم. براین اساس، اگر زمان دستوری فعل بند شرط، گذشته باشد، شرطی با احتمال زیاد از نوع حقیقی خواهد بود و اگر زمان دستوری فعل بند جزای شرط، غیرگذشته باشد، شرطی به احتمال زیاد، از نوع باز خواهد بود.

واژگان کلیدی: ساخت شرطی، زمان دستوری، رده‌شناسی، جهان ممکن، زبان فارسی

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه بوعلی سینا، همدان

✉ mehrdad.kohan@basu.ac.ir

۲. دانشیار گروه زبان‌شناسی همگانی دانشگاه بوعلی سینا، همدان

۱- مقدمه

یکی از جهانی‌های زبان‌ها، جمله شرطی است (گرینبرگ^۱، ۱۹۶۳: ۸۱). این جمله‌ها می‌توانند معانی و کاربردهای مختلفی داشته باشند و همین، مطالعه این ساخت‌ها را دشوار می‌کند. ساخت‌های شرطی در گستره وسیعی از زبان‌شناسی مطالعه شده‌اند؛ نحو، معنی‌شناسی، کاربردشناسی، گفتمان، زبان‌شناسی تاریخی، فراگیری زبان، جهانی‌های زبان و آموزش زبان. کشف ساختار مفهومی و رفتاری موجود در جمله‌های شرطی و تعبیر و تفسیر آنها، نیازمند درک بنیادی روش‌های استنباطی و فرایندهای شناختی و زبانی انسان است. به لحاظ ساختار، جمله شرطی جمله‌ای مرکب است که از دو بند پایه و پیرو تشکیل شده است که به ترتیب همان بندهای جزای شرط و شرط به شمار می‌روند، و اغلب زبان‌ها از کلمات ربط شرطی برای نشان‌دار کردن این ساخت استفاده می‌کنند. در فارسی «اگر» بالاترین بسامد را در جملات شرطی دارد و علاوه بر این، «تا، که، چنانچه، وگرنه، و آلا، وقتی که، به شرط اینکه و ...» برای نشان‌دار کردن ساخت شرطی به کار می‌روند.

با توجه به اهمیت ساخت شرطی، در این پژوهش به بررسی زمان دستوری افعال بندهای شرط و جزای شرط جمله‌های شرطی در زبان فارسی معاصر براساس چارچوب نظری دکلرک^۲ و رید^۳ (۲۰۰۱) می‌پردازیم. در این چارچوب معنایی رده‌شناختی، جمله‌های شرطی با توجه به جهان ممکن^۴ بند شرط، می‌توانند رده‌بندی شوند و در هر نوع، زمان دستوری افعال می‌تواند گذشته، حال و آینده باشد. منظور از جهان ممکن موقعیتی است که در آن اشیا و رویدادها وجود دارند یا می‌توانند وجود داشته باشند. به عبارت دیگر، جهان ممکن واقعی^۵ موقعیتی است که اشیا واقعاً در آن وجود دارند و جهان ممکن غیرواقعی موقعیتی است که می‌تواند وجود داشته باشد. برای مثال، در جمله «پاریس پایتخت فرانسه است»، جهان ممکن واقعی است، اما در جمله «اگر پاریس پایتخت ایتالیا بود، پاپ در آنجا زندگی می‌کرد»، موقعیت مطرح‌شده در جهانی ضدحقیقی^۶ درست است و در جهان واقعی درست نیست (همان: ۴۹۵). در زبان فارسی، مطالعات شرطی، عمدتاً سنتی، و بررسی رده‌شناسی جملات شرطی ندرتاً بوده است. هدف این پژوهش پاسخ به این پرسش است که آیا بین زمان

1. J. Greenberg.
2. R. Declerck.
3. S. Reed.
4. possible world
5. actual world
6. counterfactual

دستوری بندهای شرط و جزای شرط و نوع جمله شرطی در زبان فارسی معاصر رابطه‌ای وجود دارد یا خیر. به عبارت دیگر، می‌خواهیم نشان دهیم آیا می‌توان از زمان دستوری فعل بند شرط و جزای شرط نوع جمله شرطی را تعیین کرد یا خیر. پس، پیکره‌ای تصادفی از کتاب‌های داستانی قرن حاضر را بررسی و جملات شرطی آنها را استخراج کردیم. پس از تحلیل نوع جملات شرطی، زمان دستوری افعال بندهای شرط و جزای شرط مشخص، و رابطه آماری آنها بررسی خواهد شد.

۲- پیشینه پژوهش

مختصری از مطالعات پیشین ساخت شرطی در زبان فارسی به شرح زیر است؛ از نظر وحیدیان کامیار (۱۳۶۴: ۴۶-۴۴)، در فارسی امروز، برخلاف زبان‌های فرانسه و انگلیسی وجه شرطی وجود ندارد و از همان صیغه‌های وجه اخباری، التزامی و امری استفاده می‌شود و فعل بند پیرو از وجه اخباری یا التزامی و فعل بند پایه از وجه اخباری یا التزامی است. از نظر وی هدف شرط بیان امر محال یا فرضی، امر محتمل و شرط ساده است. در امر محال یا فرضی، پایه و پیرو هر دو غیرواقعی یا فرضی هستند و زمان فعل پایه و پیرو هر دو ماضی استمراری یا ماضی بعید است، مانند «اگر امسال گندم می‌کاشت، محصول خوبی برمی‌داشت». در امر محتمل، جمله‌ای شرطی بیان می‌شود که احتمال وقوع آن می‌رود و در این نوع، فعل پیرو یا همان فعل بند شرط ممکن است ماضی نقلی، ماضی بعید و حتی آینده باشد و پایه یا جزای شرط نیز ممکن است ماضی نقلی باشد. در نوع سوم که شرط ساده است و فقط شرط را می‌رساند، فعل پیرو در وجه اخباری است، مانند «اگر چنانچه در باب ترجمه حال وی اطلاعاتی دارید، لطفاً مرقوم فرمایید».

ماهوتیان (۱۳۷۸: ۲۳۳)، معتقد است التزامی یا اخباری بودن فعل بند شرط بستگی به صادق یا کاذب بودن معنی بند شرط یا میزان احتمال وقوع آن دارد. از نظر وی بند شرط در چهار صورت با وجه التزامی می‌آید: اگر شرط و جزای شرط هر دو به زمان آینده مربوط باشند؛ اگر بند شرط به واقعه یا حالتی ممکن اشاره کند و فعل «بودن» در آن به کار رفته باشد؛ اگر بند شرط به شرطی ممکن در زمان گذشته اشاره کند و جزای شرط مربوط به حال یا آینده باشد؛ اگر در بند شرط شک و تردید نباشد. همچنین جمله شرطی در چند صورت با وجه اخباری به کار می‌رود: اگر به شرطی غیرممکن در زمان حال یا گذشته اشاره شده باشد؛ اگر به عملی که قبل از عمل دیگر اتفاق می‌افتد، اشاره شده باشد؛ اگر به عملی در گذشته

اتفاق افتاده است، اشاره شده باشد؛ اگر به شرطی ممکن در زمان حال اشاره شده و در بند شرطی از فعل «بودن» استفاده نشده باشد؛ اگر شک و تردیدی در شرط نباشد، در این حالت می‌توان به جای وجه التزامی از زمان حال اخباری استفاده کرد.

رستمی (۱۳۸۹)، به بررسی جمله‌های شرطی زبان فارسی با رویکردی شناختی پرداخته است. وی جمله‌های شرطی را در چهار دسته قرار داده: شرطی‌های محتوایی؛ شرطی‌های فرازبانی؛ شرطی‌های معرفت‌شناختی؛ شرطی‌های کارگفتی. وی برای هر دسته نمونه‌هایی در داده‌های زبان فارسی به دست آورده است. در این رویکرد، واژه «آن‌گاه» کارکردی ارجاعی و اشاری به فضایی ذهنی دارد. رستمی چنین کارکردی را در واژه‌هایی که بر سر بند جواب شرط می‌آیند، بررسی کرده است. از نظر وی، واژه‌هایی چون «آن‌وقت، آن‌گاه، در آن‌صورت، در این‌صورت، آن‌موقع» چنین کارکردی دارند.

دبیرمقدم و صدیقی فر (۱۳۹۱) جملات شرطی را از نظر مطابقت فعل در بندهای شرط و جزای شرط و نیز از لحاظ احتمال وقوع به چهار دسته تقسیم کرده‌اند: جملات شرطی که احتمال وقوع آنها در زمان حال وجود دارد؛ در زمان حال وجود ندارد؛ در زمان گذشته وجود داشته است؛ در زمان آینده وجود خواهد داشت، که به ترتیب در جملات زیر دیده می‌شوند: «اگر همین الان برویم، به اتوبوس می‌رسیم»، «اگر زودتر راه می‌افتادیم، به اتوبوس می‌رسیدیم»، «اگر دیروز تند رفته بودیم، به اتوبوس رسیده بودیم»، «اگر او رفت، من هم می‌روم» و «اگر او رفت، تو هم برو».

از نظر ابن‌الرسول و همکاران (۱۳۹۵) ارتباط دو جمله‌واره پایه و پیرو، در بسیاری از جمله‌های شرطی بر پایه سببیت است و در زبان فارسی این ارتباط در انواع شرطی‌های تحقق‌یافته، تحقق‌پذیر و تحقق‌ناپذیر یافت می‌شود که به ترتیب در جملات «اگر تلاش کنی، موفق می‌شوی»، «اگر به نیشابور رفتی، آرامگاه خیام را زیارت کن» و «اگر با ما همکاری کرده بودی، موفق می‌شدیم»، مشاهده می‌شود. در اغلب جملات شرطی، جمله‌واره پایه در نتیجه وقوع جمله‌واره پیرو و به سبب آن روی می‌دهد و تحقق آن به تحقق پیرو وابسته است، اما گاهی این رابطه معنایی معکوس نمود می‌یابد؛ جواب، سبب است و شرط در نتیجه آن به وقوع می‌پیوندد و به این رابطه معنایی، رابطه سببی معکوس گویند مانند جمله «اگر خرج بسیار می‌کند، پول فراوان دارد». در این جمله، شرط (خرج کردن)، سبب وقوع جواب شرط (داشتن پول فراوان) نیست، بلکه مسبب آن است. از طرف دیگر، در برخی از جمله‌های شرطی، شرط و جواب لازم و ملزوم یکدیگرند و جمله‌واره پیرو شرطی سبب پدید آمدن و به وقوع پیوستن

جمله‌واره پایه نیست، بلکه در پی شرط یا هم‌زمان به وقوع می‌پیوندد بدون آنکه بر تحقق آن تأثیر علیتی بگذارد. در جمله «اگر کتابم را به او امانت بدهم، برنمی‌گرداند»، جواب در پی شرط و نه به سبب آن تحقق می‌یابد، بنابراین شرط ملزوم و جواب شرط لازم است (ابن‌الرسول و همکاران، ۱۳۹۵).

بقایای و نغزگوی کهن (۱۳۹۷)، به بررسی جملات شرطی زبان فارسی معاصر براساس رده‌بندی دکلرک و ریڈ (۲۰۰۱) پرداخته‌اند. آنها نشان داده‌اند که ساخت شرطی فارسی با رده‌شناسی مذکور مطابقت دارد و جهان ممکن نظری باز، بالاترین بسامد را دارد و جهان‌های ممکن خنثی، بسته، حقیقی، غیرقطعی و ضدحقیقی به ترتیب بیشترین بسامد را بعد از جهان ممکن باز دارند. بالاتر بودن بسامد وقوع جهان ممکن باز از آنجا نشأت می‌گیرد که در این جهان ممکن، موقعیتی فرضی که احتمال وقوع دارد، در نظر گرفته می‌شود و قطعیتی درباره وقوع آن وجود ندارد و این تعبیر با کارکرد ساخت شرطی بیشترین تطابق را دارد.

در اغلب مطالعات پیشین در زمینه جملات شرطی در زبان فارسی، طبقه‌بندی معنایی و رده‌شناختی نیست. از طرف دیگر، پایه اغلب مطالعات بر مثال‌های محدود نهاده شده‌است، اکثر این مثال‌ها نیز براساس شم زبانی پژوهشگران بوده‌اند. بنابراین مطالعه‌ای مبتنی بر پیکره‌ای از متون زبان فارسی معاصر لازم بود تا انواع شرطی را رده‌شناختی بررسی کند.

۳- مبانی نظری پژوهش

۳-۱- انواع ساخت شرطی

چارچوب دکلرک و ریڈ (۲۰۰۱: ۶۶-۶۵) معنایی است و طبقه‌بندی انواع ساخت شرطی براساس معنای ساخت شرطی و براساس نوع جهان ممکن بند شرط صورت می‌گیرد. آنها برای انواع جهان‌های ممکن بند شرط نوعی رده‌شناسی مطرح کرده‌اند. براساس این رده‌شناسی، جهان ممکن بند شرط در وهله اول می‌تواند جهان حقیقی^۱ یا نظری^۲ باشد. اگر جهان ممکن نظری باشد، می‌تواند خنثی یا غیرخنثی باشد. چنانچه جهان ممکن بند شرط از نوع غیرخنثی باشد، خود می‌تواند بسته^۳، باز^۴، غیرقطعی^۵ و ضدحقیقی باشد. تفاوت بین شرطی‌های با بند شرط

1. factual
2. theoretical
3. closed
4. open
5. tentative

حقیقی و نظری براساس نوع جهان ممکن است که در بند شرط به آن اشاره می‌شود. در شرطی‌های با بند شرط حقیقی، موقعیت بند شرط، به‌عنوان یک حقیقت تعبیر می‌شود، به‌گونه‌ای که بخشی از جهان واقعی را تشکیل می‌دهد. در این شرطی، گوینده به درستی بند شرط در جهان واقعی معترف است و جهان ممکن حقیقی به موقعیتی اشاره می‌کند که یا روی داده و یا در حال روی دادن است، مانند «اگر من مشکلی داشتم، همیشه پیش مادر بزرگم می‌رفتم». در این جمله گوینده درباره موقعیتی صحبت می‌کند که در واقعیت بارها و بارها رخ داده و گوینده به درستی آن اذعان دارد. درحالی‌که در شرطی‌های با بند شرط نظری، بند شرط درباره یک موقعیت فرضی صحبت می‌کند و جهان ممکن نظری موقعیتی دارد که در ذهن گوینده است و جهانی نظری می‌سازد. طبق نظر دکلرک و رید (همان: ۶۷-۷۲)، شرطی که بند شرط آن به جهان نظری اشاره می‌کند، اگر هیچ ارتباطی با جهان واقعی نداشته باشد، از نوع نظری خنثی یا خنثی خواهد بود. گوینده‌ای که از شرطی خنثی استفاده می‌کند، هیچ فرض یا ازپیش‌انگاری درباره احتمال شبیه بودن جهان نظری با جهان واقعی ندارد، مانند «اگر خانمی سابقه سرطان در خانواده‌اش وجود دارد، هر سال باید بررسی شود». در این جمله، گوینده هیچ ازپیش‌انگاری درباره مطابقت این موقعیت با دنیای واقعی ندارد؛ وی نمی‌داند آیا در واقعیت چنین خانمی با این مشخصات ممکن است وجود داشته باشد یا خیر، صرفاً فرض را بیان می‌کند که در صورت وجود چنین شخصی چه کار باید بکند. از طرف دیگر، اگر گوینده از شرطی با بند شرط غیرخنثی استفاده کند، بند شرط ازپیش‌انگاری درباره میزان شباهت جهان نظری به جهان واقعی دارد. این بدان معناست که تا چه میزان شرط در جهان واقعی می‌تواند درست باشد. با توجه به میزان این احتمال، می‌توان به چهار نوع شرطی نظری غیرخنثی اشاره کرد که در آنها ازپیش‌انگاری مطابقت موقعیت بند شرط با جهان واقعی می‌تواند درست، احتمالاً درست، غیرمحتمل و غلط باشد که به ترتیب به آنها شرطی بسته، باز، غیرقطعی و ضدحقیقی گفته می‌شود. از نظر دکلرک و رید (همان: ۹۱-۹۳)، در شرطی با جهان ممکن بسته، گوینده فرض می‌کند موقعیت بند شرط در جهان واقعی درست است. بنابراین، در شرطی‌های با بند شرط بسته، بند شرط حقیقتی شناخته شده نیست، بلکه فرض می‌شود که در جهان واقعی درست است؛ مانند «اگر شما چیزی درباره این موضوع می‌دانید، به من بگویید». که در این جمله ازپیش‌انگاری گوینده آن است که مخاطب از موضوع مطلع است و از وی می‌خواهد که او را نیز در جریان قرار دهد. اگر مطابقت جهان

ممکن بند شرط با جهان واقعی مشخص نباشد، جهان ممکن بند شرط باز خواهد بود، یعنی دربارهٔ مطابقت جهان ممکن و واقعی نه قطعیت وجود دارد، نه محتمل است و نه غیرمحتمل، مانند «اگر قطار دیر برسد، ما قرار ملاقاتمان را از دست خواهیم داد». در این جمله، گوینده دربارهٔ دیر رسیدن یا نرسیدن قطار قطعیتی ندارد، اما احتمال آن وجود دارد که قطار دیر برسد و وی پیامد دیر رسیدن قطار را می‌داند.

همان‌طور که دکلرک و رید (همان: ۹۸-۹۳)، اشاره کرده‌اند، در جهان ممکن غیرقطعیتی، تطابق جهان ممکن بند شرط با جهان واقعی غیرمحتمل است، اما غیرممکن نیست. در واقع، در این نوع شرطی، بیشتر احتمال دارد که موقعیت بند شرط در جهان واقعی غلط باشد، مانند «اگر او استعفا می‌داد، خوشحال می‌شدم». در این جمله از پیش‌انگاری گوینده آن است که شخص به احتمال زیاد استعفا نخواهد داد، اما احتمال استعفای او، هرچند ضعیف، وجود دارد. در نهایت، جملهٔ شرطی که در آن فرض شود جهان نظری بند شرط در تقابل با حقیقت است، یعنی کاملاً با جهان واقعی متفاوت است، شرطی با بند شرط ضدحقیقی خواهد بود (دکلرک و رید، همان: ۹۹)، مانند «من اگر به جای تو بودم، هرگز با آنها نمی‌رفتم». در این جمله گوینده فرضی مطرح می‌کند که در جهان واقعی اصلاً نمی‌تواند به وقوع پیوندد و آن فرض قرار گرفتن خود به جای مخاطب است. بنابراین این جمله که در تقابل با واقعیت است شرطی از نوع ضدحقیقی است.

۳-۲- زمان دستوری هر یک از انواع شرطی

دکلرک و رید (۲۰۰۱)، پس از ارائهٔ رده‌شناسی جهان‌های ممکن بند شرط در ساخت‌های شرطی، به بررسی انواع زمان‌های دستوری پرداخته‌اند که می‌توانند در افعال بندهای شرط و جزای شرط هر یک از انواع شرطی‌ها در زبان انگلیسی بیابند. طبق نظر سعید^۱ (۲۰۰۹: ۱۲۵-۱۲۸)، زمان دستوری به گوینده این امکان را می‌دهد که موقعیتی نسبت به نقطهٔ مرجعی در زمان، مشخص کند که این نقطهٔ مرجع، اغلب لحظهٔ گفتار است. زمان دستوری اغلب با مشخصه‌های دستوری همانند وند بر روی فعل تصریف می‌شود و با زمان متفاوت است، زیرا زمان دستوری، مقوله‌ای دستوری و صوری است، درحالی‌که زمان مفهومی انتزاعی است و ممکن است زمان‌های دستوری مختلف به زمان یکسانی ارجاع دهند، برای مثال ممکن است

1. J. Saeed.

زمان دستوری جمله‌ای گذشته باشد، اما به زمان حال یا آینده ارجاع دهد. از نظر کروگر^۱ (۲۰۰۵: ۱۵۱-۱۴۷)، اینکه زبانی تمایز سه‌گانه بین گذشته، حال و آینده برای زمان دستوری قرار دهد، تا حدی عجیب است و زبان‌ها اغلب تمایز دوگانه‌ای بین گذشته و غیرگذشته^۲ یا بین آینده و غیرآینده^۳ به کار می‌برند. زبان‌های انگلیسی و فارسی از تمایز دوگانه بین گذشته و غیرگذشته برای زمان‌های دستوری استفاده می‌کنند. در این پژوهش، به بررسی زمان دستوری در بندهای شرط و جزای شرط جملات شرطی، براساس نوع جهان ممکن بند شرط خواهیم پرداخت. در این بخش، ابتدا زمان‌های دستوری انواع شرطی در زبان انگلیسی طبق نظر دکلرک و رید (۲۰۰۱) بیان می‌شود و در هر مورد، مثال‌هایی از داده‌های پژوهش حاضر از زبان فارسی خواهد آمد.

زمان‌های دستوری مختلفی می‌توانند در بندهای شرط و جزای شرط یک شرطی از نوع حقیقی بیابند که بستگی به نوع شرطی حقیقی دارد. برای مثال در شرطی حقیقی‌ای که به یک عادت تکرارشونده زمان گذشته یا پیش از حال اشاره دارد، زمان‌های دستوری حال کامل، گذشته و گذشته کامل می‌توانند در هر دو بند به کار روند (دکلرک و رید، ۲۰۰۱: ۱۳۸). اگر بند شرط حقیقی کنشی باشد، در بند شرط زمان دستوری حال یا گذشته و در بند جزای شرط یکی از زمان‌های دستوری در حوزه زمان حال یا گذشته می‌تواند به کار رود. البته در این مورد جزای شرط می‌تواند امری هم باشد (همان: ۱۳۹). در جملات زیر شرطی از نوع حقیقی است و زمان دستوری افعال بندهای شرط و جزای شرط هر دو گذشته هستند:

۱. اگر این دعوی احمقانه نبود حتماً متوجه شلیک دشمن می‌شدم (احمدزاده، ۱۳۸۶: ۲۸۰).

۲. اگر هدیه‌ای برایشان می‌خریدم و از سر و کولم بالا می‌رفتند، شادمانیم کامل می‌شد (پهنود، ۱۳۸۶: ۵۱۳).

در شرطی کنشی در زبان انگلیسی نیز کاربرد نوع زمان دستوری بستگی به نوع شرطی کنشی دارد. به عبارت دیگر، اگر شرطی کنشی از نوع جملاتی باشد که همه‌زمانی هستند و به رویدادهای طبیعی اشاره دارند، فقط زمان دستوری حال به کار می‌رود. در انواع دیگر شرطی کنشی هر یک از زمان‌های مطلق مانند حال ساده، گذشته ساده و حال کامل می‌توانند قرار گیرند. علاوه بر این، می‌توان از آینده برای نمایش زمان‌های پس از حال نیز استفاده کرد. بند

1. P. R. Kroeger.
2. non-past
3. non-future

جزای شرط در شرطی‌های خنثی در زبان انگلیسی، می‌تواند زمان حال یا امری هم باشد. البته دربارهٔ زمان دستوری بند جزای شرط در شرطی خنثی محدودیتی نیست و انواع زمان‌های دستوری قابل استفاده است (دکلرک و ریید، ۲۰۰۱: ۱۴۴-۱۴۲). در جملات زیر شرطی از نوع خنثی است و زمان دستوری افعال بندهای شرط و جزای شرط هر دو غیرگذشته هستند:

۳. هر چه بخواهید می‌دهم به شرط اینکه بی‌شرم نباشید (علوی، ۱۳۶۳: ۵۳).

۴. اگر بچه‌ای گرسنه باشد و میان صبحانه و ناهار دلش ضعف کند و پول نداشته باشد، تکه‌ای از نان‌ش را به بچه می‌دهد (مرادی کرمانی، ۱۳۸۴: ۲۵۰).

در شرطی بسته در زبان انگلیسی هر ترکیب زمانی اعم از زمان‌های دستوری حال، گذشته، آینده، حال کامل، گذشته کامل و ... می‌تواند در بند شرط و جزای شرط بیاید (دکلرک و ریید، ۲۰۰۱: ۱۴۵-۱۵۲). در جملات زیر که شرطی از نوع بسته است نیز دو ترکیب مختلف از زمان‌های دستوری مشاهده می‌شود. در جمله ۵ زمان دستوری افعال بندهای شرط و جزای شرط هر دو غیرگذشته هستند، اما در جمله ۶ زمان دستوری افعال هر دو بند شرط و جزای شرط گذشته است:

۵. اگر امروز تابلوها را نبینم دیگر فرصت نخواهم کرد (علوی، ۱۳۶۳: ۳۲).

۶. کبری جان اگر غیر از همین کاغذ برای من کاغذی نوشته به دست من نرسیده (شهری، ۱۳۴۷: ۴۳۶).

در شرطی‌های باز در زبان انگلیسی نیز مانند شرطی‌های بسته همان ترکیبات زمان‌های دستوری می‌توانند به کار روند، اما در شرطی باز نمی‌توان برای اشاره به زمان پس از حال و زمان پس از گذشته در بند شرط از زمان‌های دستوری آینده و آینده کامل استفاده کرد. در این حالت اغلب از زمان‌های دستوری حال برای اشاره به زمان پس از حال استفاده می‌شود (دکلرک و ریید، ۲۰۰۱: ۱۶۵-۱۵۴). در جملات زیر نمونه‌هایی از این دست در زبان فارسی مشاهده می‌شود. در جمله ۷ زمان دستوری افعال بندهای شرط و جزای شرط به ترتیب گذشته و غیرگذشته است و در جمله ۸ زمان دستوری هر دو بند غیرگذشته:

۷. اگر نامه‌ای رسید آن را تا ۲۴ ساعت باز نکنید (علوی، ۱۳۶۳: ۱۳۹).

۸. لابد اگر کت و شلوار نو تنش کند و کراوات بزند باید قدم‌هایش را بلندبلند بردارد (چهل‌تن، ۱۳۵۷: ۳۳).

در شرطی غیرقطعی در زبان انگلیسی، برای نمایش غیرمحمتمل بودن آن، اغلب از زمان‌های دستوری گذشته استفاده می‌شود، البته همواره این گونه نیست. بنابراین ترکیبات زمانی زیادی آن گونه که در شرطی‌های بسته و باز وجود داشت، برای این نوع وجود ندارد. در انگلیسی نمونه متعارف شرطی غیرقطعی، شرطی نوع دوم در این زبان است (دکلرک و رید، ۲۰۰۱: ۱۶۸-۱۷۵). در جمله ۹ زمان دستوری هر دو فعل بندهای شرط و جزای شرط گذشته است و در جمله ۱۰ غیرگذشته:

۹. شما هم اگر جای من بودید می‌گفتید که کجا عزیزم! کجا آقای محسنی حالا تشریف داشته باشید (چهل تن، ۱۳۵۷: ۱۱۸).

۱۰. تو اگر مردی عرضه داشته باش و مدیر همین مدرسه هم بشو (آل احمد، ۱۳۴۵: ۱۰).

شرطی‌های ضدحقیقی در زبان انگلیسی در حالت متعارف از الگوی سوم شرطی در این زبان استفاده می‌کنند و در این حالت اغلب بیانگر گذشته ضدحقیقی هستند، اما اگر بند شرط به زمان حال غیرواقعی اشاره کند، از الگوی شرطی دوم هم می‌توان استفاده کرد (دکلرک و رید، ۲۰۰۱: ۱۷۷-۱۹۰). در جملات شرطی زیر که ضدحقیقی هستند، زمان دستوری هر دو فعل گذشته است:

۱۱. اگه اینجا مونده بود، آقام دستش رو یک جایی بند می‌کرد (دولت آبادی، ۱۳۵۲: ۳۷).

۱۲. گفتم اگر همه مردم دیوانه بودند تا به حال همدیگر را خورده بودند (جمالزاده، ۱۳۳۳: ۲۵۰).

۴- روش پژوهش

برای بررسی زمان دستوری افعال بندهای شرط و جزای شرط جمله‌های شرطی در زبان فارسی معاصر، براساس رده‌بندی دکلرک و رید (۲۰۰۱) ۱۰ کتاب داستانی از نویسندگان معاصر انتخاب کردیم. این کتاب‌ها و تعداد ساخت شرطی استخراج شده بدین شرح است:

- دارالمجانین، سیدمحمدعلی جمالزاده (۱۳۳۳) ۳۸

- شطرنج با ماشین قیامت، حبیب احمدزاده (۱۳۸۶) ۳۱

- خانوم، مسعود بهنود (۱۳۸۶) ۲۱

- چشم‌هایش، بزرگ علوی (۱۳۶۳) ۳۷

- مدیر مدرسه، جلال آل احمد (۱۳۴۵) ۲۲

- دختر دایی پروین، علی محمد افغانی (۱۳۷۷) ۳۲

- دخیل بر پنجره فولاد، امیرحسین چهل تن (۱۳۵۷) ۱۹
- شما که غریبه نیستید، هوشنگ مرادی کرمانی (۱۳۸۴) ۲۲
- شکر تلخ، جعفر شهری (۱۳۴۷) ۴۱
- سفر، محمود دولت‌آبادی (۱۳۵۲) ۲۳

از هر کتاب تقریباً ۵۰۰۰ واژه از ۲۵ صفحه، انتخاب و جمله‌های شرطی جمع‌آوری شد. پیکره ۵۰۶۲۲ واژه، ۲۵۴ صفحه و ۲۸۶ جمله شرطی داشت. نوع ساخت شرطی براساس چارچوب نظری دکلرک و رید (۲۰۰۱) تعیین شد. سپس زمان دستوری افعال بندهای شرط و جزای شرط مشخص، و با محاسبات آماری تحلیل شد.

۵- تحلیل داده‌ها

با بررسی جملات شرطی پیکره، به جدول‌هایی که می‌آید دست یافتیم؛

جدول ۱- بسامد هریک از انواع شرطی و زمان‌های دستوری در بندهای شرط و جزای شرط

نوع شرطی	بسامد	زمان دستوری فعل بند شرط		زمان دستوری فعل بند جزای شرط	
		گذشته	غیرگذشته	گذشته	غیرگذشته
حقیقی	۳۷	۳۷	-	۳۷	-
خنثی	۴۸	۱۷	۳۱	۸	۴۰
بسته	۳۹	۱۲	۲۷	۹	۳۰
باز	۱۱۲	۳۳	۷۹	۱۶	۹۶
غیرقطعی	۲۶	۱۵	۱۱	-	۲۶
ضدحقیقی	۲۴	۲۴	-	۲۴	-
مجموع	۲۸۶	۱۳۸	۱۴۸	۹۴	۱۹۲

در جدول شرطی باز با ۱۱۲ جمله و شرطی ضدحقیقی با ۲۴ جمله به ترتیب بیشترین و کمترین بسامد را نسبت به دیگر انواع شرطی داشته‌اند. زمان دستوری افعال بندهای شرط در انواع شرطی‌ها در کل، به نسبت تقریباً یکسانی گذشته و غیرگذشته بوده زیرا تفاوت تعداد جملات شرطی که بند شرط آنها گذشته بوده (۱۳۸ جمله) و جملات شرطی که بند شرط آنها غیرگذشته بوده (۱۴۸ جمله) فقط ۱۰ جمله است که قابل ملاحظه نیست، اما در افعال بندهای جزای شرط این رقم قابل توجه است و در اغلب جملات شرطی (۱۹۲ جمله) در بند جزای شرط از زمان دستوری غیرگذشته استفاده شده‌است. از طرف دیگر، می‌توان ترکیب

زمان‌های دستوری گذشته و غیرگذشته را در بندهای شرط و جزای شرط نیز به دست آورد که در جدول ۲ آمده‌است:

جدول ۲- بسامد وقوع ترکیب زمان‌های دستوری گذشته و غیرگذشته در افعال بندهای شرط و جزای شرط

نوع شرطی	بسامد	زمان دستوری فعل بند شرط- جزای شرط		
		گذشته-گذشته	گذشته-غیرگذشته	غیرگذشته-غیرگذشته
حقیقی	۳۷	۳۷	-	-
خنثی	۴۸	۵	۱۲	۲۸
بسته	۳۹	۸	۴	۲۶
باز	۱۱۲	۱۵	۱۸	۷۸
غیرقطعی	۲۶	۹	۶	۱۱
ضدحقیقی	۲۴	۲۴	-	-
مجموع	۲۸۶	۹۸	۴۰	۱۴۳

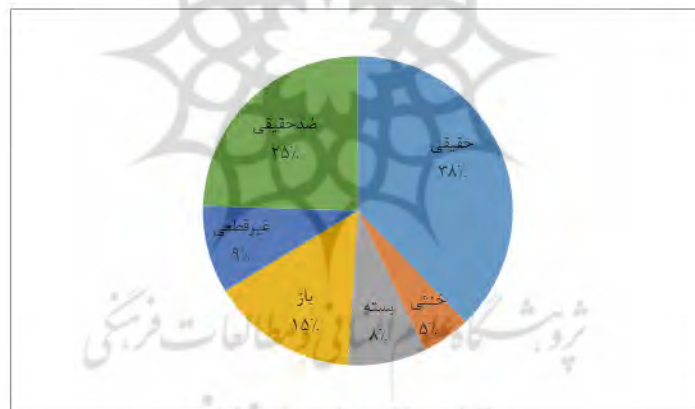
باتوجه به جدول، ترکیب زمانی غیرگذشته-غیرگذشته برای بندهای شرط و جزای شرط بالاترین بسامد را دارد و ۱۴۳ جمله شرطی در بندهای شرط و جزای شرط از زمان دستوری غیرگذشته استفاده کرده‌اند. بالا بودن این رقم این‌گونه تبیین می‌شود که در جمله شرطی اغلب هدف گوینده بیان موقعیتی است که یا در حال روی دادن است و یا هنوز روی نداده و اینکه گوینده بخواهد موقعیتی که در گذشته قرار داشته و روی داده‌است را به صورت شرطی به کار ببرد، زیاد معمول نیست که البته این نوع شرطی همان شرطی حقیقی است و اغلب جملاتی که بندهای شرط و جزای شرط آنها با زمان دستوری گذشته بوده، حقیقی بودند. با این داده‌ها و به کار بردن محاسبات و روش‌های تجزیه و تحلیل آماری و با استفاده از نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس^۱ نسخه ۱۱ احتمال وقوع هر یک از زمان‌های دستوری گذشته و غیرگذشته در افعال بندهای شرط و جزای شرط به تفکیک مشخص شد.

1. Spss software, version 11.

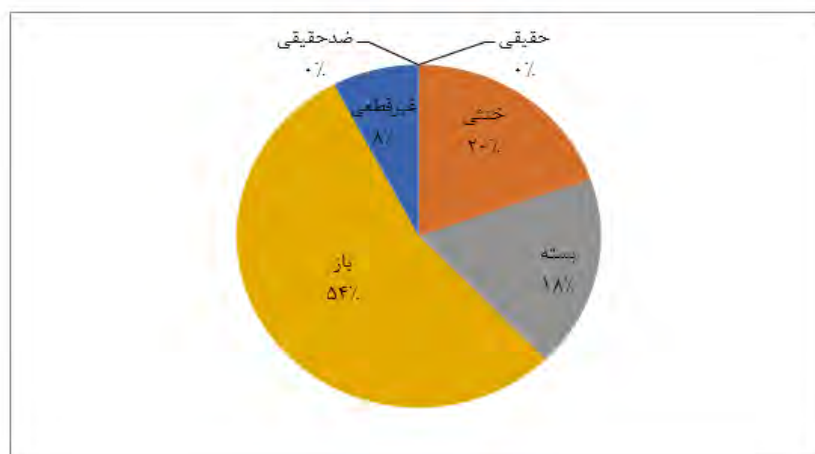
جدول ۳- درصد روی دادن هر یک از انواع شرطی به شرط وجود زمان دستوری مشخص

نوع شرطی		حقیقی	خنثی	بسته	باز	غیرقطعی	ضدحقیقی
بند شرط	گذشته	۲۶,۸۱	۱۲,۳۱	۸,۶۹	۲۳,۹۱	۱۰,۸۶	۱۷,۳۹
	غیرگذشته	۰	۲۰,۹۴	۱۸,۲۴	۵۳,۳۷	۷,۴۳	۰
بند جزای شرط	گذشته	۳۹,۳۶	۸,۵۱	۹,۵۷	۱۷,۰۲	۰	۲۵,۵۳
	غیرگذشته	۰	۲۰,۸۴	۱۵,۶۲	۵۰	۱۳,۵۴	۰
بند شرط- بند جزای شرط	گذشته-گذشته	۳۷,۷۵	۵,۱۰	۸,۱۶	۱۵,۳۰	۹,۱۸	۲۴,۴۸
	گذشته-غیرگذشته	۰	۳۰	۱۰	۴۵	۱۵	۰
	غیرگذشته-گذشته	۰	۶۰	۲۰	۲۰	۰	۰
	غیرگذشته-غیرگذشته	۰	۱۹,۵۸	۱۸,۱۸	۵۴,۵۴	۷,۶۹	۰

باتوجه به جدول، احتمال حقیقی بودن جمله شرطی مشروط بر اینکه زمان دستوری فعل بند شرط گذشته باشد، تقریباً ۲۶ درصد است یا اینکه اگر فعل بند شرط غیرگذشته باشد، احتمال اینکه شرطی از نوع حقیقی باشد صفر است، به عبارت دیگر، وقتی در جمله‌ای شرطی زمان دستوری فعل بند شرط غیرگذشته باشد، آن جمله قطعاً حقیقی نخواهد بود. احتمال باز بودن جمله شرطی مشروط بر اینکه زمان دستوری فعل بند جزای شرط غیرگذشته باشد، ۵۰ درصد است. به عبارت دیگر، اگر در جمله‌ای شرطی زمان دستوری فعل جزای شرط غیرگذشته باشد، با احتمال ۵۰ درصد شرطی از نوع باز است. در نمودارهای ۱ و ۲ به ترتیب احتمال رخ دادن هر یک از انواع شرطی، در جملات شرطی که زمان دستوری افعال بندهای شرط و جزای شرط در آنها هر دو گذشته و هر دو غیرگذشته است، نشان داده شده است.



نمودار ۱- احتمال رخ دادن هر یک از انواع شرطی در جملات شرطی با زمان دستوری گذشته در افعال بندهای شرط و جزای شرط



نمودار ۲- احتمال رخ دادن هر یک از انواع شرطی در جملات شرطی با زمان دستوری غیرگذشته در افعال بندهای شرط و جزای شرط

باتوجه به این نمودارها اگر زمان دستوری افعال بندهای شرط و جزای شرط هر دو گذشته باشد، احتمال حقیقی بودن جمله شرطی از دیگر انواع شرطی بالاتر است و احتمال اینکه جمله شرطی از نوع خنثی و بسته باشد، بسیار پایین است. از طرف دیگر، اگر زمان دستوری افعال بندهای شرط و جزای شرط هر دو غیرگذشته باشد، احتمال باز بودن نوع جمله شرطی بسیار بالاست و احتمال اینکه جمله شرطی مذکور، حقیقی و ضدحقیقی باشد وجود ندارد. کلاً، در جملات شرطی زبان فارسی نسبت به زبان انگلیسی، تنوع زمان دستوری در بندهای شرط و جزای شرط باتوجه به انواع مختلف شرطی کمتر است و در این زبان گرایشی قوی برای باز بودن نوع شرطی‌هایی وجود دارد که افعال بندهای شرط و جزای شرط آنها غیرگذشته است، و از طرف دیگر گرایشی قوی نیز برای حقیقی بودن نوع شرطی‌هایی وجود دارد که افعال بندهای شرط و جزای شرط آنها گذشته است. اینکه در شرطی نوع باز گرایش به سمت غیرگذشته بودن زمان دستوری افعال وجود دارد، به این علت است که در این نوع شرطی، گوینده اغلب درباره موقعیتی گزاره شرطی را به کار می‌برد که روی نداده است یا در حال روی دادن است و این زمان دستوری همان زمان دستوری غیرگذشته خواهد بود. گرایش غالب در شرطی نوع حقیقی برای گذشته بودن زمان دستوری افعال بندهای شرط و جزای شرط نیز از آنجا نشأت می‌گیرد که در این نوع، گوینده درباره موقعیتی

می‌گوید که به درستی رخداد آن در دنیای واقعی اذعان دارد و آنچه به صورت جمله‌ای شرطی می‌گوید، اغلب روی داده است و بنابراین زمان دستوری گذشته در این موقعیت کاربرد خواهد داشت.

۶- نتیجه‌گیری

با بررسی پیکره پژوهش به این نتیجه رسیدیم که اولاً می‌توان جملات شرطی فارسی را براساس رده‌شناسی طبقه‌بندی کرد و در زبان فارسی نیز انواع شرطی مشتمل بر شرطی‌های حقیقی، خنثی، بسته، باز، غیرقطعی و ضدحقیقی هستند و ثانیاً زمان دستوری گذشته و غیرگذشته در بند شرط تقریباً به نسبت مساوی وجود داشت که البته غیرگذشته بیشتر از گذشته است و در بند جزای شرط نیز زمان دستوری غیرگذشته بر گذشته غلبه دارد و با استفاده از محاسبات آماری به این نتایج رسیدیم:

۱. اگر زمان دستوری فعل بند شرط، گذشته باشد با احتمال زیاد شرطی از نوع حقیقی خواهد بود و احتمال اینکه بسته باشد، خیلی کم است.
۲. اگر زمان دستوری فعل بند شرط، غیرگذشته باشد با احتمال زیاد شرطی از نوع باز خواهد بود و احتمال اینکه حقیقی یا ضدحقیقی باشد صفر است، به عبارت دیگر، در شرایطی که فعل بند شرط زمان دستوری غیرگذشته دارد، شرطی نمی‌تواند از نوع حقیقی یا ضدحقیقی باشد.
۳. اگر زمان دستوری فعل بند جزای شرط گذشته باشد، با احتمال زیاد شرطی از نوع حقیقی خواهد بود و اگر حقیقی نباشد، به احتمال زیاد ضدحقیقی است و احتمال اینکه جمله از نوع غیرقطعی باشد وجود ندارد.
۴. اگر زمان دستوری فعل بند جزای شرط غیرگذشته باشد، با احتمال زیاد شرطی از نوع باز خواهد بود و احتمال اینکه شرطی از نوع حقیقی یا ضدحقیقی باشد صفر است.
۵. اگر زمان دستوری افعال بندهای شرط و جزای شرط هر دو گذشته باشند، شرطی به احتمال زیاد حقیقی است و اگر حقیقی نباشد، احتمال ضدحقیقی بودن آن بیشتر از دیگر انواع است.
۶. اگر زمان دستوری افعال بندهای شرط و جزای شرط هر دو غیرگذشته باشند، شرطی به احتمال زیاد باز است و حقیقی و ضدحقیقی نخواهد بود.

در کل بین زمان دستوری افعال بندهای شرط و جزای شرط و نوع شرطی در زبان فارسی معاصر گرایش‌هایی وجود دارد. البته این گرایش‌ها صددرصدی نیستند و به یقین نمی‌توان نوع شرطی را براساس زمان دستوری حدس زد. در این زبان گرایشی قوی برای باز بودن نوع شرطی‌هایی وجود دارد که افعال بندهای شرط و جزای شرط آنها غیرگذشته است، زیرا در این نوع شرطی، گوینده اغلب درباره موقعیتی می‌گوید که روی نداده است یا در حال روی دادن است و این زمان دستوری همان زمان دستوری غیرگذشته خواهد بود. از طرف دیگر، گرایشی قوی نیز برای حقیقی بودن نوع شرطی‌هایی وجود دارد که افعال بندهای شرط و جزای شرط آنها گذشته است، چراکه در این نوع گوینده درباره موقعیتی صحبت می‌کند که به درستی رخداد آن در دنیای واقعی اذعان دارد و آنچه بیان می‌کند، اغلب روی داده است و بنابراین زمان دستوری گذشته، در این موقعیت کاربرد خواهد داشت.

منابع

- آل احمد، ج. ۱۳۴۵. مدیر مدرسه، تهران: کتاب‌های پرستو.
- ابن‌الرسول، م.ر. و دیگران. ۱۳۹۵. «رابطه معنایی جمله‌واره پایه و پیرو در جمله‌های شرطی زبان فارسی». *ادب فارسی*، ۱۷(۱): ۹۳-۱۱۲.
- احمدزاده، ج. ۱۳۸۶. *شطرنج با ماشین قیامت*، تهران: انتشارات سوره مهر.
- افغانی، ع.م. ۱۳۷۷. *دختر دائی پروین*، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- بهنود، م. ۱۳۸۶. *خانوم*، تهران: علمی.
- بقایی، س.ع. و نغزگوی کهن، م [۱۳۹۷]. «جهان‌های ممکن ساخت شرطی در زبان فارسی معاصر». *جستارهای زبانی*. انتشار آنلاین.
- جمالزاده، م.ع. ۱۳۳۳. *دارالمجانین*، تهران: معرفت.
- چهل‌تن، ا.م. ۱۳۵۷. *دخیل بر پنجره فولاد*، تهران: رواق.
- دبیرمقدم، م و ز صدیقی‌فر. ۱۳۹۱. «آموزش جمله‌های شرطی زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان: مقایسه دو روش تدریس ساختاری و تکلیف‌محور». *پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان*، ۲(۱): ۳۲-۵۹.
- دولت‌آبادی، م. ۱۳۵۲. *سفر*، تهران: گلشایی.
- رستمی، م. ۱۳۸۹. «جملات شرطی در زبان فارسی: رویکردی شناختی». تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- شهری، ج. ۱۳۷۱. *طهران قدیم*، تهران: میهن.

- علوی، ب. ۱۳۶۳. چشم‌هایش، تهران: انقلاب و ادبیات.
- ماهوتیان، ش. ۱۳۷۸. دستور زبان فارسی / از دیدگاه رده‌شناسی، ترجمه م سمانی، تهران: مرکز. مرادی کرمانی، ه. ۱۳۸۴. شما که غریبه نیستید، تهران: معین.
- وحیدیان کامیار، ت. ۱۳۶۴. «جمله‌های شرطی در زبان فارسی». *زبان‌شناسی*، ۲(۲): ۴۳-۵۶.
- Declerck, R. and Reed, S. 2001. *Conditionals: A comprehensive Empirical Analysis*, E. C. Traugott and B. Kortmann (Eds.), Berlin, New York: Mouton de Gruyter.
- Greenberg, J. H. 1963. "Some universals of grammar with particular reference to the order of meaningful elements", In J. H. Greenberg (Ed), *Universals of Language*, (Pp. 73-113), Cambridge, Mass: MIT Press.
- Kroeger, P. R. 2005. *Analyzing Grammar*, New York: Cambridge University Press.
- Saeed, J. 2009. *Semantics*, United Kingdom: Wiley- Blackwell.

